

نقد اخلاقی تسویه حساب سنگ روی سنگ بند نمی شود

منبع: روزنامه شرق، صفحه سینمای ایران، دوشنبه، مورخ: ۱۳/۲/۸۹

۱. چندی پیش "تسویه حساب" را در یکی از سینماهای تهران دیدم. به اختصار، فیلم داستان دخترانی را روایت می کند که از خانه مادر و پدر خویش فراری و گریزان بوده، با انواع دردها و رنج‌ها دست و پنجه نرم کرده و چند صباحی طعم زندان را چشیده اند. آنها، پس از آزادی از زندان، در منزلی گردهم می آیند و با یکدیگر عهد و پیمان می بندند که از مردان انتقام بگیرند. از این رو، دختران جوان بر سر راه مردان قرار می گیرند و شکارهای خود را از میان مردانی انتخاب می کنند که می خواهند از دختران جوان سوء استفاده و به همسرانشان خیانت کنند. آنها با تهدید و آزار و اذیت جسمی و اخذ وجه قابل توجهی، به زعم خویش، مردان را متوجه کار ناپسندشان کرده، رها می کنند. ...

به نظر می رسد فیلمساز می کوشد تا دختران و خانواده‌هایی را به تصویر بکشد که با مشکلات فرهنگی - معیشتی - اجتماعی فراوانی دست و پنجه نرم می کنند؛ فقر و فاقه‌ای که تا عمق استخوان نفوذ می کند و خانواده‌ها را متلاشی می کند. "تسویه حساب" در عین حال مردانی را نشان می دهد که فارغ‌دلانه به همسر و خانواده خویش خیانت می کنند. می توان چنین انگاشت که غرض از ساختن فیلم بر آفتاب افکندن اتفاقاتی است که زیرپوست شهر جریان دارد و احتمالاً بسیاری از ما از آنها غافلیم و چنین تلنگرهایی برای آشنایی عمیقتر و جامع‌الاطراف تری با آنچه پیرامون ما می گذرد مفید فایده است. اما قصه به همین جا ختم نمی شود. بغضهای فرو خورده شده و کینه‌های ستبر دختران قربانی شده مجالی برای بروز می خواهند؛ از این رو دست به تسویه حساب می زنند. ...

به بهانه برخی مطالب مطرح شده در فیلم، می کوشم از منظر اخلاقی به برخی نکات در ذیل اشاره کنم.

۲. بنا بر آموزه‌های مکتب فایده گرایی کلاسیک، در سنت فلسفه اخلاق، که جرمی بنتام و جان استوارت میل از قهرمانان آن اند، بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج

بیشتر افراد جامعه قوام‌بخش کنش و داوری اخلاقی موجه است. اینکه "راست‌گویی خوب است"، "کمک کردن به دیگران خوب است" و... گزاره‌هایی هستند که به لحاظ اخلاقی موجه‌اند، از این‌روست که صدور این افعال متضمن بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج برای اکثریت افراد جامعه است. از سوی دیگر، اگر "آسیب رساندن به دیگران مذموم است" قابل قبول است، بدین دلیل است که بیشینه شدن درد و رنج را برای اکثریت افراد جامعه در پی دارد. در میان فایده‌گرایان، فایده‌گرایان قاعده‌محور (rule – utilitarians) بر این باورند که اگر فعلی به صورت قاعده‌ای در سطح جامعه درآید و صدور آن موجب بیشینه شدن درد و رنج و کمینه شدن فایده برای اکثریت افراد شود، فعل مذکور فعلی غیر اخلاقی و ناموجه خواهد بود. از سوی دیگر، اگر قاعده‌مند شدن یک فعل در سطح جامعه متضمن حداکثر شدن فایده و حداقل شدن درد و رنج بیشترین افراد جامعه شود، صدور آن فعل از جانب کنشگران اخلاقی موجه خواهد بود. حال، با مد نظر قرار دادن ملاک یاد شده، می‌توان دریافت که اگر کنش گروه دختران "تسویه حساب" به صورت قاعده‌ای در سطح جامعه درآید، چه آثار و نتایج مخرب و زیان‌باری در پی خواهد داشت. فرض کنید، به جای یک گروه چهار نفره، دویست گروه متشکل از قربانیان تشکیل شود؛ گروه‌هایی که برای احراز حقوق ضایع شده خویش بر آن باشند که از سایر شهروندان انتقام بگیرند. در عین حال، برخی از این گروه‌ها متشکل از پسران قربانی‌ای خواهد بود که با توجه به قدرت جسمانی بیشتر، لطمات جبران‌ناپذیرتری بر جای خواهند گذاشت. در آن صورت، چه بر سر انسان‌هایی که در این جامعه زندگی می‌کنند خواهد آمد؟ به تعبیر مشهور، در چنین جامعه‌ای دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. مدلول این سخن این است که تمسک جستن به چنین راه‌کارهایی برای احقاق حقوق از دست رفته قویاً غیر اخلاقی است و ناموجه؛ بگذریم از اینکه دختران "تسویه حساب" مردانی را مسئول ناکامی‌ها و بدبختی‌های خود می‌انگارند که نسبتی با گذشته آنها نداشته‌اند. بدون تردید، رفتار مردان "تسویه حساب" غیر اخلاقی و ناموجه است و، به تعبیر کانت، متضمن خوارداشت و نفی کرامت انسانی است؛ اما واکنش دختران متناسب با کنش غیر اخلاقی مردان نیست. به همین سبب است که اخلاقاً

نمی‌توان با دختران قربانی همدلی کرد؛ بلکه تنها می‌توان بر نگون بختی آنها گریست و بر ایشان ترحم آورد.

۳. به تصویر کشیدن چنین چهره‌هایی از زنان در "تسویه حساب"، برخلاف آنچه ممکن است به ذهن برخی متبادر شود، با قرائتی از فمینیسم که برای روزگار کنونی ایران ما کارآمد است نسبتی ندارد. بخش قابل توجهی از فمینیست‌ها در پی به دست آوردن حقوق از دست رفته زنان‌اند، نه ترسیم چهره‌ای خشن از آنها یا دفاع از زنانی که به حقوق مردان تعرض می‌کنند. فمینیست‌ها در پی تخفیف و پایمال کردن حقوق بنیادین مردان نیستند؛ بلکه از حقوق بنیادین زنان و مردان توأمان دفاع می‌کنند. عموم فمینیست‌ها بغض‌های فروخورده شده را محمل مناسبی برای تسویه حساب و انتقام گرفتن از دیگران نمی‌دانند. چه مردان به این عمل مبادرت ورزند و چه زنان، هر دو مورد خطاست. اگر قرار است ایده‌های فمینیستی به تصویر کشیده شود و به جان مخاطبان "تسویه حساب" بنشینند، این مهم می‌تواند در قالبی دقیق، غیر شعاری و سنجیده تر انجام شود.

۴. به یاد می‌آورم که در ایام تحصیل در انگلستان، یکی از فیلم‌سازان زن مشهور معاصر، برای نمایش و نقد و بررسی یکی از فیلم‌هایش، به دانشگاه ما آمده بود. پس از اتمام جلسه، فرصت گفت و گویی دست داد. نظر ایشان را درباره "دوزن" و دیگر آثار خانم تهمینه میلانی جو یا شدم. در پاسخ گفتند: خانم میلانی برای ساختن فیلم‌هایشان زحمت زیادی می‌کشند، اما اشکال کار در اینجاست که انتقادهایشان به مردان و سلوک ایشان در تنظیم مناسبات و روابط با زنان در محیط خانواده و جامعه آینه تمام‌نمای واقعیت نیست. مردان امروز را، که پسرهای دیروزند، زن‌های همین جامعه و در فضای همین خانواده‌ها تربیت می‌کنند. اگر مادرها میان تربیت دختر و پسرشان تفاوتی قائل شوند، که می‌شوند، همین پسرها فردا و پس فردا همسر و پدر می‌شوند. اگر نقصانی در کار همسران و پدرهای امروز می‌بینیم، بخشی از آن برآمده از نحوه تربیت مادران آنها در گذشته است. ایشان تأکید می‌کرد که اکنون که چنین است، هیچ فیلم‌ساز زنی، هنگام به تصویر کشیدن معضلات، نباید تنها به بخشی از آنچه در جامعه می‌گذرد توجه کند و بر روی بخش دیگری از واقعیت چشم بپوشد. انتقادهای تند و گزنده را در این میان تنها متوجه مردان کردن به اصلاح و تنبیه نمی‌انجامد و بار ما را بار نمی‌کند.

ای کاش کارگردان محترم "تسویه حساب" در ملاحظه مشفقانه همکار خویش به دیده عنایت بنگرند و آنرا به کار بندند. جامعه در حال گذر ما مشکلات فرهنگی - اجتماعی فراوانی دارد. بی شک فیلم سازان در عداد دیگر کنشگران فرهنگی نظیر شاعران، رمان نویسان و... می توانند، با به تصویر کشیدن هنرمندانه آنچه پیرامون ما می گذرد، نقش مهمی در ارتقاء آگاهی عمومی شهروندان ایفا کنند. قرائتی از فمینیسم و نگاه فمینیستی به کار ما می آید که بر احقاق حقوق پایمال شده زنان انگشت تاکید می نهد، نه نگاهی که در پی تسویه حساب با مردان است. صورت مسئله را تغییر دادن و به ریشه ها و علل پرداختن و تنها نیمی از جمعیت را در موضع اتهام نشانیدن و قرائتی ناکارآمد و غیر رهگشا از فمینیسم را به تصویر کشیدن وافی به مقصود نیست و گرهی از کار ما نمی گشاید.